

## تحلیلی نوین بر حمایت اقتصادی از زوجه در قانون حمایت از خانواده (۱۳۹۱)

جواد حسین زاده\*  
وحیده سادات حسینی\*\*

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۱/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۷/۰۷

### چکیده

قانون حمایت از خانواده مصوب سال (۱۳۹۱)، به منظور سامان بخشی به مقررات مربوط به نهاد خانواده تصویب گردید؛ اما وجود برخی کاستی‌ها و ناکارآمدی‌ها در حقوق مالی زوجه، سبب بروز مشکلاتی در مطالبه و دریافت این حقوق گردیده است. از این رو، تحلیل حمایت اقتصادی از زوجه و نقش کارآمدی حقوق مالی زوجه (نقسه، مهریه، نحله و اجرت‌المثل) در تحکیم و انسجام بخشی نهاد خانواده از ضرورت و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بر این اساس، مقاله حاضر با روش تحلیلی و توصیفی به تحلیل محتوای قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ ایران با رویکرد تطبیقی با فقه امامیه و حقوق غربی پرداخته است. نتایج پژوهش حاکی از این است که به صورت کلی، با دو مدل می‌توان حقوق مالی زوجه را متوازن و متعادل نمود؛ مدل برابری مستقیم در نظام حقوقی فرانسه و نظام برابری غایی که در فقه امامیه طراحی شده است. به نظر می‌رسد قانون‌گذار با بهره‌گیری از نظام حقوقی فرانسه و مبتنی بر مبانی فقهی شیعه می‌تواند اصلاحات نوینی در قانون حمایت از خانواده انجام داده و ناکارآمدی آن در بخش‌های مربوطه مرتفع نماید.

### کلید واژگان:

تحکیم خانواده، حقوق مالی زوجه، حمایت اقتصادی، نقسه، مهریه.

\* دانشیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران

Hoseinzadeh@usc.ac.ir

\*\* دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران

v.hosseini@usc.ac.ir

## مقدمه

بحث و گفت‌وگو پیرامون حقوق زن به دلیل تأییراتی که در اجتماع بر جای می‌گذارد، مورد توجه گروه‌های مختلف از جمله روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، فقها و حقوق‌دانان قرار گرفته است. هر یک از این گروه‌ها، حقوق زن را با توجه به ملاک‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌دهند. علاوه بر این بحث حقوق مالی زن در تمام ادیان الهی نیز مطرح شده است؛ به طوری که می‌توان گفت از مشترکات تمام ادیان الهی این است که در تمام آنها حقوق خاصی برای زن در نظر گرفته شده است. از جمله حقوق مطرح شده برای زن، حقوق مالی است. مهم‌ترین این حقوق، حقوقی است که به دلیل ازدواج یا طلاق به زن تعلق می‌گیرد. از نمونه‌های بارز مطرح شده برای این بخش، نفقه و مهریه است. بحث پیرامون این دو نمونه به دین یا فرقه خاصی اختصاص ندارد، بلکه هر جا در رابطه با حقوق زن بحث شده است، این دو، مورد توجه واقع شده‌اند.

علاوه بر این از آنجایی که دین مقدس اسلام کامل‌ترین ادیان است، علاوه بر بیان احکام و حقوقی که در ادیان دیگر نیز مورد توجه واقع شده، در برخی موارد اقدام به تأسیس حق و یا حکم نیز نموده است. بیان احکام راجع به رفع خسارت مادی و معنوی مطلقه، از جمله مواردی است که می‌توان گفت دین مقدس اسلام برای اولین بار به آن توجه نموده است. قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران با توجه به اینکه بر اساس احکام شرع مقدس اسلام اقدام به وضع قوانین می‌کند، از این مورد غافل نشده و اقدام به وضع قوانین در این رابطه نیز نموده است. از جمله این قوانین اصلاحیه قانون طلاق است. برخی از حقوق مالی زوجه مانند نفقه، ریشه در فقه اسلامی و سنت ایرانی دارد. در نظام حقوق اسلام، برای تحصیل مال و کسب درآمد، انعقاد قرارداد، اهلیت تمتع و حق استیفا، جنسیت نقشی ندارد؛ ولیکن از آنجا که باید زن نقش اساسی خود را به عنوان همسر و مادر (یعنی کانون تربیت و عاطفه در خانواده) به دور از دغدغه مالی و فکر تأمین معاش، به خوبی ایفا نماید، مسئولیت اقتصادی خانواده بر عهده مرد گذاشته شده و زن

هیچ‌گونه تکلیف مالی در خانواده بر عهده ندارد.<sup>۱</sup> این تناسب بین تکالیف و حقوق زن و مرد و نقش ایشان در خانواده و اجتماع است که به عنوان اصل عدالت یا اصل واقع‌نگری مطرح می‌شود. قانون‌گذار ایران برخی حقوق مالی دیگر را از نظام‌های حقوقی غربی، خصوصاً فرانسه اقتباس نموده؛ یعنی مقرری ماهیانه پس از طلاق، علاوه بر موارد فوق، اجرت‌المثل کارهای زوجه و نحله توسط قانون‌گذار ایرانی وضع شده است. از دیگر سو، نهادهای حقوقی کارکردهای یکسان و عملکرد موازی دارد. در ساختار خانواده سنتی، تقسیم کار با توجه به تخصیص بهینه منابع صورت می‌پذیرد؛ بدین ترتیب که معمولاً اداره امور داخلی خانه، بچه‌داری، آشپزی و کارهایی از این دست توسط زن و تأمین مخارج و هزینه‌ها و نیز تأمین امنیت خانواده، توسط شوهر انجام می‌شود. این نظم اگرچه موجب تخصیص بهینه منابع نهاد خانواده می‌شود، در صورت انحلال خانواده، زوجه را در موقعیت مالی نابسامانی قرار می‌دهد، علاوه بر این، در دوره ازدواج نیز مرد می‌تواند از قدرت اقتصادی خود برای تحمیل نظرات خود به نحو ظالمانه‌ای بهره برد؛ بنابراین قانون‌گذار موظف است توسط نهادهایی حقوقی از زوجه حمایت اقتصادی کند و همچنین با وضع قوانین تکمیلی مانع از بروز رفتار ظالمانه توسط شوهر شود. باید در نظر داشت که اجتماع انسانی به صورت هوشمندانه چنین ابزارهایی را توسعه داده و از چنین نهادهایی بهره می‌برد. به‌طور مثال، با افزایش تورم و کاهش قدرت خرید مردم ایران، تمایل ایشان به افزایش میزان مهر گسترش یافته است. قانون‌گذار ایرانی هم در یک قرن گذشته، نهادهای حمایتی مختلفی را برای حمایت از زوجه در نظر گرفته است که به ترتیب تاریخ وضع عبارت است از مهر، نفقه، ارث، مقرری ماهیانه پس از طلاق، اجرت‌المثل و نحله.

لازمه نظریه‌پردازی کارآمد و نظام‌مند در حوزه حقوق خانواده به‌طور کلی و حقوق مالی زوجه به‌طور خاص، نگرش جامع و نظام‌مند است. در نظام حقوقی ایران، قانون‌گذار در زمان‌های مختلف و بدون در نظر گرفتن ملیت و نظام‌مندی حقوق خانواده، نهادهای حقوق مالی و غیرمالی مختلفی را در عرصه حمایت از خانواده وضع نموده است. حقوق مالی زوجه، ریشه تاریخی و تحلیلی واحدی ندارند. برخی از این قوانین از فقه اسلامی استخراج شده و برخی از نظام حقوقی

۱. فهیمی، فاطمه و عزیزالله فهیمی، اصول حاکم بر حقوق مالی زن در کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و حقوق اسلام و ایران، مباحث بانوان شیعه، پاییز ۱۳۸۷، شماره ۱۷، ص ۱۹۷.

فرانسه یا کامن لا و برخی کاملاً بدیع و نوآورانه است. فرضیه مقاله حاضر، آن است که اینگونه از قانون‌گذاری نامنظم و متشتت بوده و موجب حمایت صحیح از نهاد خانواده و ایجاد تعادل و تثبیت در آن نخواهد شد.

### ۱. مفهوم حقوق مالی زوجه

از حقوق مالی بین زن و شوهر، به روابط مالی نیز یاد می‌شود و حقوق دانان روابط بین زوجین را به مالی و غیرمالی تقسیم می‌کنند. در روابط بین زن و شوهر، حقوق مالی غالباً از آن زن است و حقوق غیرمالی غالباً به شوهر تعلق دارد و به جز ارث مرد از همسر خود، حق مالی دیگری ندارد.<sup>۱</sup> بنابراین می‌توان با اندکی مسامحه، روابط مالی زوجین و حقوق مالی زن را یکی پنداشت. در هر صورت، مهریه، نفقه، اجرت‌المثل، و نیز بخشش اجباری (موضوع بند «ب» تبصره ۶ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق)، در ردیف حقوق مالی زوجه قرار می‌گیرد.

### ۲. پیشینه حمایت اقتصادی از زوجه

برای اثبات فرضیه، به تاریخچه و ریشه‌های هر یک از مصادیق حقوق مالی زوجه می‌پردازیم.

#### ۲.۱. مهریه و نفقه؛ الگوی ایرانی-اسلامی

مهر ریشه در سنت و عرف ایرانی و اسلامی دارد و یکی از چانه‌زنی‌های مهم ازدواج به میزان مهر مربوط می‌شود. قانون مدنی در مواد ۱۰۸۰ به بعد به تفصیل مقررات مربوط به مهر را وضع نموده است. مقررات مربوط به مهر مورد تأیید عرف ایرانی مربوط به این نهاد و احکام فقهی مربوط است. از سوی دیگر، ریشه مستحکم نفقه در سنت ایرانی و فقه اسلامی موجب شده است که قانون‌گذار سخت‌گیری زیادی درباره نفقه اعمال نماید و عرف نیز چنین وضعی را کاملاً دنبال می‌کند. از منظر حقوقی، نفقه زوجه بر سایر دیون شوهر اولویت و امتیاز دارد. نفقه زوجه بر نفقه سایر اقارب همچون والدین و فرزندان اولویت دارد. از سوی دیگر، طلب زن از

۱. هدایت نیا گنجی، فرج الله، *حقوق مالی زوجه (اجرت‌المثل، نحل و تعدیل مهریه)*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۲۴.

شوهر خویش بابت نفقه، بر دیگر طلبها مقدم است. این حکم هم ریشه فقهی دارد<sup>۱</sup> و هم در قوانین موضوعه بدان تصریح شده است.<sup>۲</sup> از لحاظ کیفری نیز استنکاف از پرداخت نفقه جرم‌انگاری شده است و ماده ۵۳ ق.ج.خ. سال ۱۳۹۱ بیان می‌دارد: «هرکس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقه امتناع کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود...». از طرفی، نفقه حق هم نیست که قابل اسقاط باشد، بلکه حکم است و حکم قابل اسقاط نیست.<sup>۳</sup>

## ۲.۱.۲. حقوق غربی

### ۲.۱.۲.۱. مستمری پس از طلاق

مقرری ماهیانه پس از طلاق (ماده ۱۱ ق.ج.خ. ۱۳۵۳) ریشه فقهی ندارد. این نهاد از حقوق فرانسه یا سوئیس (ماده ۱۲۵ قانون مدنی) اقتباس گردیده است. مواد ۲۸۱ و ۲۸۲ قانون مدنی فرانسه به این نهاد حقوقی اختصاص دارد؛ البته در سایر نظام‌های حقوقی از همسر سابق حمایت مالی شده است؛ از جمله کانادا (ماده ۱۵ - ۲ قانون طلاق) و آلمان (ماده ۱۵۶۹ قانون مدنی)؛ اما به احتمال زیاد، نویسندگان قانون حمایت خانواده به نظام حقوقی فرانسه یا سوئیس نظر داشته‌اند؛ چه در حقوق آلمان، بدون در نظر گرفتن تقصیر، یکی از زوجین طرف قوی‌تر باید از طرف ضعیف‌تر حمایت کند؛ در حالی که ماده ۱۱ ق.ج.خ. تقصیر یکی از زوجین را به عنوان شرط پرداخت مقرری در نظر داشته است. همچنین در هنگام تصویب قانون مذکور، قوانین کانادایی چندان مورد اقتباس قرار نمی‌گرفته است.<sup>۴</sup>

۱. شهید ثانی، جبعی عاملی زین الدین، *مسائلک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام*، جلد ۵، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۳۷۳، ص ۱۲۳.

۲. ماده ۱۲۰۶ ق.م؛ ماده ۵۸ ق.ا.ت. مصوب ۱۳۱۸ و ماده ۲۲۶ ق.ا.ح. مصوب ۱۳۱۹.

۳. سید هاشمی، سید محمد اسماعیل و زهرا السادات مرتضوی، *بررسی حق و حکم در حضانت و نفقه و رجوع در طلاق*، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۳۹۳، شماره ۶۶، صص ۲۱ و ۲۲.

۴. دوریا-دوبان و بورو دُبوآ، ماریا و سسیل، *رویکرد اقتصادی به نفقه همسر در حقوق ایران*، ترجمه: فریده شعبانی، تهران: دنیای اقتصاد، ۱۳۹۲، ص ۶۳.

## ۲.۱.۲.۲. اجرت‌المثل و نحله

اجرت‌المثل و نحله به‌رغم عنوان فقهی اسلامی، ریشه فقهی و سنت ایرانی ندارد. آنچه در تبصره ماده ۳۳۶ قانون مدنی پیش‌بینی شده است، پرتوی از قواعد عام مسئولیت مدنی است و اختصاصی به زوجه ندارد و اخذ مبلغی به عنوان اجرت اعمال صورت گرفته در منزل شوهر از ابداعات قانون‌گذار ایران است. در واقعیت جامعه، کارهای زن در منزل شوهر به قصد اخذ اجرت صورت نمی‌گیرد و چنین فرضی حقیقتاً شاذ و نادر است.<sup>۱</sup> همچنین در نظام‌های حقوقی فرانسه یا کامن‌لا چنین نهادی پیش‌بینی نشده است.<sup>۲</sup>

## ۳. اجرای اصل عدالت در تحکیم حقوق اقتصادی زوجه در قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱

این اصل گویای این مطلب است: «حقوقی که برای هریک از زن و مرد، مقرر شده، برابر با تکالیفی است که بر عهده هر کدام گذاشته شده است». «اصل عدل، یکی از ارکان فقه اسلامی، همان اصلی است که قانونی مطابقت عقل و شرع را در اسلام به وجود آورده است. به بیان دیگر، از منظر فقه اسلامی و حداقل فقه شیعه، اگر ثابت شود که عدل ایجاب می‌کند، فلان قانون باید چنین باشد نه چنان و اگر چنان باشد، ظلم و خلاف عدالت است، ناچار باید بگوییم حکم شرع هم همین است. زیرا شرع اسلام طبق اصلی که خود تعلیم داده هرگز از محور عدالت و حقوق فطری و طبیعی خارج نمی‌شود.»<sup>۳</sup> در حقوق ایران نیز به تبعیت از فقه شیعه، نظام اقتصادی زوجین، از زمان تدوین قانون مدنی در سال ۱۳۰۷ از یک ثبات نسبی برخوردار بوده است. این ثبات ناشی از منشأ و مبنای محکمی است که بدان استوار گردیده است. این مبنا همان ریشه مذهبی و الهی، حاکم بر این روابط است. چراکه اسلام به جای تشابه‌سازی در حقوق به «اصل عدالت» توجه نموده است.<sup>۴</sup> در خصوص مقتضای عدالت حقوقی در مسائل زنان دو نظریه متمایز

۱. فیروزمند، لیلا، تبعات مثبت و منفی مطالبه مهریه در ایران امروز، مجله دادگر، دی و بهمن ۱۳۹۱، شماره ۳۰، ص ۴۵.

2. Anderson, 2007, p15.

۳. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، جلد ۱، تهران: انتشارات صدرا، چاپ ششم، ۱۳۷۶، ص ۵۴.

۴. محمدی، مرتضی، حقوق و تکالیف زن از دیدگاه اسلام، استقلال مالی، اطاعت از شوهر»، مجله رواق اندیشه، مهر و آبان، ۱۳۸۰، شماره ۳، ص ۸۵.

وجود دارد که از اختلاف در مفهوم عدالت حقوقی ناشی می‌شود، نظریه عدالت استحقاقی (عدالت تناسبی) و نظریه عدالت مساواتی.<sup>۱</sup> مقصود از عدالت استحقاقی، وضع یا اجرای مقرراتی متناسب با وضعیت اشخاص و استحقاق آنان است. شهید مطهری یکی از معانی عدالت را رعایت استحقاق افراد دانسته است و درباره آن می‌نویسد: «... رعایت حقوق افراد و عطا کردن به هر ذی‌حق، حق او را، و ظلم عبارت است از پایمال کردن حقوق و تجاوز و تصرف در حقوق دیگران، معنی حقیقی عدالت اجتماعی بشری- همین معنی است».<sup>۲</sup> تعریف دانشمندان مسلمان از عدالت به رعایت استحقاق‌ها، برگرفته از سخن حضرت امیرالمؤمنین(ع) است که در پاسخ پرسش از مفهوم عدل فرمودند: «العدل یضع الامور مواضعها»؛<sup>۳</sup> عدالت هر چیزی را در جای خود قرار می‌دهد. نظریه عدالت مساواتی نیز بر مبنای معنای دیگر عدالت که مساوات است اتخاذ شده است.<sup>۴</sup> از آنجا که تعریف نخست با تعریف اسلام از عدالت همخوانی بیشتری دارد، ما نیز با پیروی از نظریه عدالت استحقاقی به بررسی رد پای آن در حقوق مالی زوجین می‌پردازیم. قابل توجه است که طبق نظر فقهای اسلام، در مواردی حتی اگر زوجین خلاف اصل عدالت توافق کرده باشند، نیز این توافق بی‌اثر تلقی شده، حکم مطابق عدالت اجرا می‌شود. مانند توافق بر عدم پرداخت نفقه توسط زوج که به نظر مشهور فقها توافق باطل خواهد بود. شارع مقدس در جزء جزء احکام اسلام به خصوص در احکام معاملات و عقود، همیشه نفع طرفین عقد را در نظر گرفته و حکمی وضع نموده است که با مبانی عدل و انصاف در تعارض واقعی باشد.<sup>۵</sup> هرچند در سال‌های اخیر با تبلیغات فراوانی که در این زمینه صورت گرفته است، سعی در وارونه نشان دادن این امر داشته‌اند. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که بشر با درک ناقص خود از باطن اموری که با آنها مواجه می‌شود، نمی‌تواند برای عموم افراد در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، حکم ثابت بدون نقیصه ارائه کند. شواهد تاریخی حاکی از آن است کشورهایی که امروزه مدافع حقوق زنان‌اند، تا یکی دو قرن پیش از پذیرش عدم محجوریت زنان استنکاف می‌کردند، پس چگونه

۱. هدایت نیا گنجی، فرج الله، پیشین، ص ۴۰.

۲. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، پیشین، ص ۸۰.

۳. حکمت ۴۳۷ نهج البلاغه.

۴. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، پیشین، ص ۳۰.

۵. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، *عروه الوثقی*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷، ص ۸۹.

می‌توان احکام اسلام را که هزار و چهارصد سال پیش به برابری زن و مرد چه از حیث اقتصادی و چه حقوقی، حکم داده است، فرو گذارد و نظریات ناقص بشری را مبنای حکم قرار داد؟!!!!

قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، به عنوان جدیدترین قانون در حوزه خانواده، حاوی آخرین نقطه نظرات قانون‌گذار است؛ از این رو، با بررسی مواد این قانون می‌توان اصولی که رژیم حقوق مالی زوجه در نظم حقوقی کنونی را شکل می‌دهد، شناخت. هر چند بیشترین اثر این اصل را در احکام کلی و فلسفه ایجاد حقوق مالی زوجه می‌توان دید و از قانونی که بیشتر رویکرد شکلی در موضوعات دارد، توقع نمی‌رود که به طور مستقیم با موضوع مورد بحث ما در ارتباط باشد. به عنوان مثال، علاوه بر موادی که بر مبنای اصل عدالت و واقع‌نگری تدوین شده‌اند،<sup>۱</sup> برخی مواد نیز هستند که با پذیرش ضمنی حقوق مالی زوجه به طور غیرمستقیم به اصل واقع‌نگری اشاره دارند. در واقع کلیه موادی که وجود حق مهریه، نفقه، اجرت‌المثل و نحلّه را برای زوجه مسلم فرض نموده‌اند و احکام مرتبط با چگونگی استیفای این حقوق را ذکر کرده‌اند، در این دسته جای می‌گیرند.

#### ۴. مواد قانونی متناقض با اصل عدالت

در این قسمت به موادی که به نقض اصل عدالت نزدیک‌ترند، اشاره می‌شود. عدم توجه قانون‌گذار به چگونگی احقاق حقوق مالی زوجه موقتی که الزامی به ثبت نکاح وی نشده است (و شامل سه شرط ماده ۲۱ ق.ح.خ نمی‌شود) هم مخالف اصل عدالت و هم ناقض اصل حمایت از حقوق زنان است. شایسته بود که قانون‌گذار با دیدی جامع‌تر نسبت به حکم ماده ۲۱ اقدام کند؛ چرا که عدم الزام به ثبت نکاح موقت، طبیعتاً منجر به رشد فزاینده این واقعه می‌شود و در پی آن به طور مسلم اختلافاتی نیز بروز می‌کند که دعاوی مالی یکی از آنها خواهد بود.<sup>۲</sup> در صورتی که قانون، اجرای عدالت را صرفاً در چارچوب خانواده پیاده کرده است و زنی را که به دلایل مختلف به طور موقت ولو ۲۰ ساله یا حتی بیشتر، به نکاح مردی درآمده باشد، مورد حمایت خویش قرار نداده است.

۱. از جمله مواد ۵، ۷، ۱۲، ۲۹، ۳۰، ۴۸ و ۵۳ ق.ح.خ.

۲. قربان وند، محمدباقر، *تفسیر قضایی و نقد قانون حمایت از خانواده (مصوب ۱۳۹۱)*، تهران: مجد، ۱۳۹۳، ص ۷۱.

ماده ۲۲ ق.ج.خ نیز که در راستای کاهش زندانیان مهریه، می‌باشد، ممکن است به دلیل سطحی‌نگری از احکام مخالف با اصل عدالت تلقی گردد. این قانون از حمایت کیفری زن، نسبت به مطالبه مهریه بالاتر از ۱۱۰ سکه استتکاف کرده است؛ در صورتی که بر اساس نظر مشهور فقها هیچ سقفی برای مهر تعیین نشده و زن نسبت به مهریه داین و مرد مدیون شمرده می‌شود؛ ولی در این ماده برای زن امکان وصول به این حق، به علت نامتعارف محسوب شدن مهریه بالاتر از ۱۱۰ سکه، محدود به ضمانت اجرای حقوقی شده است که آن نیز با صدور حکم اعسار مرد قابل تفسیر است. این تقسیط که عدم پرداخت اقساط آن برخلاف اقساط مهریه زیر ۱۱۰ سکه که حمایت کیفری و امکان جلب مرد را به همراه داشت، پشتوانه حقوقی ندارد و زن با اثبات عدم اعسار وی می‌تواند نسبت به تأمین و مطالبه خواسته خود اقدام کند.<sup>۱</sup> طبق قانون، در صورتی که زن برای دریافت بیشتر از ۱۱۰ سکه مهریه خود دادخواست بدهد، باید عدم اعسار مرد را ثابت نموده، مالی از مرد را به دادگاه معرفی نماید. این قانون از آنجا که ناظر به واقعیت جامعه فعلی می‌باشد، از جمله قوانینی است که باعث برطرف شدن بسیاری از مشکلات حقوقی و اجتماعی می‌گردد. شخصی که به دلیل رسم غلط حاکم بر جامعه مجبور به قبول چند هزار سکه به عنوان مهریه می‌شود، در صورت عدم پرداخت محکوم به زندان تا آخر عمر است. عواقب و تبعات منفی حبس بی‌مورد بر هیچ‌کس پوشیده نیست. قانون‌گذار برای متعادل شدن وضعیت جامعه اقدام به وضع قوانینی می‌کند که با متعارف جامعه سازگاری داشته باشد.<sup>۲</sup> از این رو، این قانون و امثال آن برای برچیده شدن رسوم غلط ضروری به نظر می‌رسد. البته ممکن است این قانون با حق مهریه زن منافی به نظر برسد، اما اگر اینگونه هم باشد، به دلیل مصلحت نوعیه‌ای که در اصل این قانون وجود دارد، بر دیگر قوانین مربوطه مقدم است.

۱. ر.ک: زندی، محمدرضا، *رویه قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران در امور خانواده-نقده، جهیزه و استرداد آن، اجرت‌المثل و نخله، مهریه و تقسیط آن*، تهران: جنگل، ۱۳۹۴، ص ۶۷.

۲. جلالی، سید مهدی، *نقد و بررسی مهریه در لایحه حمایت از خانواده*، مجله مطالعات راهبردی زنان، تابستان ۱۳۸۹، شماره ۴۸، ص ۱۸.

## ۵. اصل عدم تکلیف اقتصادی زن در خانواده

از جمله اصول مطرح در ذیل بحث عدالت استحقاقی، اصل تکلیف مرد به حمایت مالی زن و خانواده و در مقابل عدم تکلیف زن در این مورد است. حمایت مالی مرد از زن و همین‌طور تکلیف اقتصادی وی در خصوص زوجه در چند شکل قابل بررسی است که مهم‌ترین آنها تکلیف مرد به پرداخت مهریه و نفقه به زوجه است.

### ۵.۱. الزام مرد به پرداخت مهریه

الزام مرد به پرداخت مهریه، ولو زوجین نسبت به مهریه در زمان انعقاد عقد نکاح توافق ننموده یا توافق بر عدم مهر کرده باشند، حاکی از اهمیت این موضوع در نظر شارع مقدس است. آیات و روایات متعدد در خصوص جایگاه مهریه، الزام مؤکد حقوقی و اخلاقی به پرداخت آن و بر حذر داشتن مردان از تزییع حقوق مالی زنان، شاهدهی بر این مدعاست. حضرت امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: «سزاوارترین شرطی که وفای به آن لازم است، پرداخت چیزی است که به واسطه آن زنان را بر خود حلال کرده‌اید.»<sup>۱</sup> علاوه بر این، وجود حق حبس برای زنان، یکی دیگر از مواردی است که نشان دهنده اهمیت پرداخت مهر برای شارع است.<sup>۲</sup> اینکه زن قبل از هرگونه واقعه، حق مطالبه مهریه حال خود را دارد و عدم تمکین وی با حمایت شرعی و قانونی همراه است، از مواردی است که در نظر اول با اصل عدالت همخوانی ندارد؛ چرا که مرد را موظف می‌کند پیش از شروع زندگی مشترک نسبت به پرداخت مهریه همسر خود اقدام کند.

البته حق حبس، باعث بروز مشکلات زیادی شده است. این امر به سبب نگاه جزئی به مسئله مهریه است. نگاه جزئی به مسئله امکان بروز مشکل در دیگر بخش‌ها را به دنبال دارد. از این‌رو، قوانین مهریه با یک نگاه جامع باید اصلاح شوند. مهریه هر چند حق زن است، اما تحکیم بنیان خانواده با رعایت اصل عدل و انصاف همواره مورد تأکید شارع مقدس بوده است. مسئله‌ای که اگر تحت‌الشعاع دیگر موارد قرار بگیرد، حاکم اسلامی باید احکام متناسب با آن وضع کند.

۱. حر عاملی، محمدبن حسن، *وسایل الشیعه*، جلد ۲۵، بیروت: موسسه آل‌البیت، لإحياء التراث، الطبعة الأولى، ۱۴۱۳، ص ۲۶۷.

۲. ر.ک: میرداداشی، سید مهدی، *حق حبس زوجه با تکیه بر فقه امامیه*، نشریه حقوق اسلامی، تابستان ۱۳۸۸، شماره ۲۱، ص ۱۲.

حس‌هایی که به صورت عمومی در مورد مهریه شاهد آن هستیم، از جمله مواردی است که سبب متزلزل شدن بنیان خانواده می‌گردد. خصوصاً از زمانی که طبق حکم قانون، پرداخت اقساطی مهریه نیز ممکن شد، شاهد افزایش مهریه‌های نامتعارف و ازدیاد حبس به دلیل عدم قدرت در پرداخت آن هستیم. از طرفی پرداخت نشدن حق مهریه نیز با عدل و انصاف سازگار نیست. از این رو، نه حق حبس قابل دفاع است و نه پرداخت نشدن آن؛ بنابراین اندیشمندانی که در زمینه خانواده آگاهی دارند و به مبانی فقهی نیز آشنا هستند، برای برون‌رفت از این معضل باید چاره‌ای بیندیشند. به نظر می‌رسد که قانون‌گذار در این زمینه با یک نگاه جامع و با توجه به واقعیت‌های جامعه باید برای هریک از آنها ملاک و محدوده‌های مشخص تعریف و تعیین کند. به عنوان مثال، حاکم شرع با توجه به اختیاراتی که در دست دارد، در برخی موارد برای برچیدن برخی بدعت‌های نادرست در امر مهریه و حل نمودن برخی از مشکلات مربوطه به امور حقوقی می‌تواند محدوده خاصی برای مهریه با توجه به شئون افراد تعیین کند. یعنی هر چند که تعیین مهریه و بیان حد برای آن مبنای فقهی ندارد، در شرایط فعلی و برای درک مصلحت نظام‌بخشی به مسائل مربوط به خانواده، حاکم اسلامی می‌تواند از اختیارات خود استفاده کرده، این امر را منسجم نماید.

## ۵.۲. الزام مرد به پرداخت نفقه

نفقه یکی دیگر از مهم‌ترین حقوق مالی زوجه است که طبق آن شارع، مرد را تحت هر شرایطی مکلف به حمایت مالی و تأمین زندگی زوجه می‌کند. تهیه‌ی مایحتاج زندگی زن، از جمله خوراک، پوشاک، مسکن و اسباب منزل متناسب با وضعیت زندگی زن، بر مرد واجب شده است.<sup>۱</sup> تناسب نفقه با شأن زوجه، نکته قابل توجه احکام نفقه می‌باشد که حاکی از حمایت شارع از زنان است. همان‌طوری که می‌دانیم، طبق شرع مردی که از غنای مالی چندانی نیز برخوردار نیست، چنانچه همسری را به زوجیت برگزیند که دارای خدمه باشد، در صورت مطالبه زن، مرد موظف است که برای وی خادم استخدام کند و این مسئله که توان مالی مرد به چه میزان است، دخالتی در میزان نفقه از نظر شرع ندارد. البته قانون‌گذار با دخالت در این حکم، بنا بر مصلحت حاکم بر

۱. نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، جلد ۳۱، تهران: دارالکتاب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۷، ص ۱۰۹.

جامعه، دادگاه را ملزم به در نظر گرفتن توانایی مالی مرد برای تعیین میزان نفقه زن نموده است و شاهد هستیم که همین دخالت در حکم شارع مقدس منجر به صدور احکام ناعادلانه در تعیین میزان نفقه زن از سوی برخی قضات شده است که خلاف هدف قانون گذار می‌باشد؛ هرچند در راستای همین هدف که اجرای عدالت بر مبنای موازین شرعی، حمایت مالی از زنان و تأمین امنیت اجتماعی و اقتصادی زنان در جامعه است، تعیین ضمانت اجرای کیفری برای عدم پرداخت نفقه نیز وجود داشته باشد. نکته دیگر اینکه مرد مکلف است محل سکونت مناسبی برای همسر خود مهیا کند و زن نیز باید تبعیت نماید. البته وجوب تبعیت در صورتی است که آن منزل با شأن وی متناسب باشد و ضرری از نظر جانی یا آبرویی متوجه زن نباشد. در این صورت، زن حق مخالفت ندارد. نظر برخی از فقها بر این است که اگر زن در ضمن عقد شرط بکند که در شهر خود باقی خواهد ماند این شرط نافذ می‌باشد.<sup>۱</sup>

البته اختلاف نظری بین فقها در مورد این شرط وجود داشته، اما طبق ماده ۱۰۰۵ این امر شرط صحیح شمرده شده است.

طبق احکام شرع، سه نوع نفقه وجود دارد: اول نفقه‌ای که مالک باید صرف مملوک خود نماید؛ دوم نفقه‌ای است که انسان باید صرف اقارب خود یعنی فرزندان، پدر و مادر و خویشاوندان نماید. شرط مکلف شدن فرد به پرداخت این نفقه، ناتوان بودن شخص واجب‌التفقه و توانایی مالی فرد نفقه دهنده است؛ سوم نفقه‌ای است که مرد باید صرف همسر خود کند. در پرداخت این نفقه برخلاف دو صورت قبلی، اولاً تمکن و عدم تمکن مالی زن بی‌تأثیر است. ثانیاً توانایی مالی مرد شرط الزام به پرداخت نفقه نیست، ثالثاً در پرداخت نفقه شأن و منزلت خانوادگی و اجتماعی زن ملاک و مبنای عمل است و رابعاً اینکه اگر مرد از پرداخت آن ممانعت کند، زن حق دارد به صورت یک امر حقوقی اقامه دعوا کند و در صورت اثبات، مرد را محکوم نموده و نفقه را دریافت یا مرد را حبس نماید. نکته پایانی هم اینکه اگر بین نفقه زن و طلب سایر غرما تعارض پیش آید، نفقه زن مقدم می‌شود. چون هم واجب است و هم الزام حقوقی دارد.

حقیقت این است که اسلام نه به نفع یکی و علیه دیگری قانون وضع نکرده، بلکه این احکام و قوانین با واقع‌بینی نسبت به وضعیت روحی، جسمی و اجتماعی زن و مرد و دوراندیشی در

۱. گلپایگانی، محمد رضا، *هدایه العباد*، جلد ۲، قم: دارالقرآن الکریم، چاپ اول، ۱۴۱۳، ص ۳۶۴.

مصالح هر کدام وضع شده است. اینکه مسئولیت و رنج طاقت‌فرسای تولید نسل به عهده زن گذاشته شده و این زن است که باید سنگینی دوره بارداری، سختی زایمان و عوارض آن را تحمل نماید، کودک را شیر بدهد و پرستاری نماید و همه این موارد، از نیروی بدنی زن کاسته، توانایی او را در کار و کسب درآمد کاهش می‌دهد؛ واقعیتی است که بایستی مورد توجه قانون‌گذار قرار بگیرد؛ چراکه اگر بنا بشود قانون، زن و مرد را از لحاظ تأمین بودجه زندگی در وضع مشابهی قرار داده، حمایت مالی و اقتصادی از وی ننماید، زن وضعیت نامناسبی پیدا خواهد کرد.

هیچ جامعه‌ای نیست که آینده کشورش را مورد توجه قرار ندهد؛ یکی از مؤثرترین عوامل در آینده هر کشوری جامعه فعال آن است؛ حال از آنجا که تربیت فرزندان بیشتر بر عهده زنان است، چنانچه قرار باشد زن و شوهر هر دو شاغل باشند و زن چاره‌ای جز اشتغال برای ادامه زندگی نداشته باشد، مسلماً به تربیت فرزندان خلل وارد می‌شود و نسل آینده صدمه خواهد دید.<sup>۱</sup> بنابراین وجوب نفقه زن بر عهده مرد برای آرامش و استحکام خانواده و تأمین آینده جامعه نیز ضروری به نظر می‌رسد.

### ۵.۳. اجرای اصل عدم تکلیف اقتصادی زن در قانون حمایت خانواده (۱۳۹۱)

علاوه بر موادی که متذکر حقوق مالی زوجه از قبیل مهریه، نفقه و اجرت‌المثل می‌باشند، ماده ۳۰ قانون حمایت خانواده به صراحت بیان می‌دارد که هزینه کردن زوجه در زمان زندگی مشترک، فارغ از بحث اجرت‌المثل، امری ورای تکلیف وی و قابل مطالبه می‌باشد: «ماده ۳۰- در مواردی که زوجه در دادگاه ثابت کند به امر زوج یا اذن وی از مال خود برای مخارج متعارف زندگی مشترک که بر عهده زوج است، هزینه کرده و زوج نتواند قصد تبرع زوجه را اثبات کند، می‌تواند معادل آن را از وی دریافت نماید». این ماده که یکی از ابداعات و نوآوری‌های بسیار مثبت قانون جدید است، دارای چند ویژگی می‌باشد: اول اینکه برخلاف بحث شرایط تحقق اجرت‌المثل، زن مجبور نیست برای مطالبه هزینه کرد خود دستور زوج را اثبات کند، بلکه اثبات اذن زوج را که به مراتب قابل‌اجراتر و به واقعیت زندگی امروزه نزدیک‌تر می‌باشد، در دادگاه قابل قبول دانسته است. طبیعی است که وقتی زن شاغلی که هیچ سرمایه و پس‌اندازی برای خود ندارد، ادعا می‌کند که درآمد خود را برای خانواده خرج نموده و زوج در طول سالیان متمادی

۱. ر.ک. مطهری، مرتضی، *آشنایی با قرآن*، جلد ۴، تهران: صدرا، ۱۳۷۹، ص ۱۱۳.

اعتراضی به این عمل ننموده؛ به‌طور ضمنی اذن و رضایت خود را مبنی بر استفاده از درآمد زوجه ابراز داشته است.

همان‌طور که می‌دانیم، در حال حاضر اکثر زنان شاغل، درآمد خود را صرف هزینه‌های زندگی مشترک می‌نمایند و تا حدی این عمل افزایش پیدا کرده که عرف، زنی را که قائل به این عمل نباشد، به سختی می‌پذیرد. حتی اغلب مردانی که با زنان شاغل ازدواج می‌کنند، یکی از دلایل این انتخاب خود را شاغل بودن زن و توانایی همراهی در هزینه‌های زندگی عنوان کرده‌اند.

قانون‌گذار با ایجاد این حکم با یادآوری حکم شرعی عدم تکلیف اقتصادی زن در خانواده این حق را برای زوجه قائل شده است که طی روال ساده‌تری نسبت به مطالبه اجرت‌المثل، یعنی بدون نیاز به اثبات قصد عدم تبرع و صرف دستور زوج و بدون محدودیت زمان مطالبه، به احقاق حق تضييع شده خويش بپردازد. گفتیم که اصل عدم تکلیف اقتصادی زن در خانواده، هم‌راستا با اصل تکلیف مرد به حمایت مالی خانواده است. قانون‌گذار با اذعان به این حکم، در ماده ۵۳، با محکوم کردن مردی که از پرداخت نفقه به همسر خود بدون دلیل شرعی و اقارب خود (در صورت تمکن مالی و نیاز اشخاص واجب‌النفقة)، استنکاف می‌نماید، بیان می‌دارد: «هرکس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکن او ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقة امتناع کند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت وی از شکایت در هر زمان تعقیب جزایی یا اجرای مجازات موقوف می‌شود. افزایش ضمانت اجرای کیفری عدم پرداخت نفقه، با وجود سیاست حبس‌زدائی قانون جدید، حکایت از اهمیت انجام تکلیف مرد در محیط خانواده برای قانون‌گذار است؛ زیرا حفظ ثبات و استحکام خانواده با پرداخت حقوق مالی زوجه و حمایت مالی خانواده توسط مرد ارتباط مستقیم دارد.

#### ۵.۴. الزام مرد به پرداخت اجرت‌المثل

از دیگر حقوق مالی زوجه، اجرت‌المثل است که مطالبه آن در قانون جدید با تغییراتی همراه بوده است. طبق ماده ۲۹ قانون حمایت خانواده، مطالبه اجرت‌المثل می‌تواند در ذیل دعوی طلاق و طبق تبصره ماده ۳۳۶ قانون مدنی صورت پذیرد. حکم ماده ۳۳۶ بر مبنای اصل حرمت کار تدوین یافته است و در تبصره آن زوجه را نسبت به انجام کارهایی که شرعاً به عهده وی

نبوده، ولی عرفاً برای آن کار اجرت‌المثل باشد، اگر به درخواست زوج و با عدم قصد تبرع صورت گرفته باشد، مستحق اجرت‌المثل می‌داند. وقتی به احکام فقهی مراجعه و تکالیف زوجه را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که در شرع برای زن، تکلیف به معاشرت به معروف و معاضدت در زندگی مشترک وجود دارد که می‌تواند حاکی از انجام برخی از کارهای معمولی خانه‌داری باشد و برای زن که عرفاً این کارها را تبرعاً انجام می‌دهد، اجرت‌المثلی در این خصوص نمی‌توان در نظر گرفت، ولی ممکن است که فعالیت زن در زندگی مشترک به مثابه یک کارگر تلقی گردد؛ مثلاً در برخی مناطق کشور زنان به همراه همسرانشان و حتی بیشتر از آنها به کار کشاورزی می‌پردازند یا در خانواده‌هایی که با ایجاد کارگاه تولیدی، زن در نقش یکی از کارگران ایفای وظیفه می‌کند، ولی حقوق دریافت نکرده است و درآمد صرفاً از آن مرد می‌شود، طبیعی است که زنی که با ناسپاسی همسر مواجه شده است و طلاق داده می‌شود، این حق را داشته باشد که نسبت به اجرت کارهایی که علاوه بر تکالیف شرعی خود انجام داده است، مطالبه داشته باشد. حتی امکان مطالبه در غیر از زمان وقوع طلاق نیز در خیلی از موارد خالی از انصاف و منطق نمی‌باشد.<sup>۱</sup> افزون بر این، اگر زوجه به هر دلیل نتواند اجرت‌المثل ایام زوجیت را مطالبه کند، ماده ۵۸ قانون حمایت خانواده، بند (ب) تبصره ۶ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱/۱۲/۲۱ را از شمول قوانین منسوخ، مستثنا کرده است. بنابراین حکم به پرداخت نحله توسط قانون‌گذار همچنان به قوت خود باقی است. طبق بند (ب) تبصره ۶ قانون مذکور، «با توجه به سنوات زندگی مشترک و نوع کارهایی که زوجه در خانه شوهر انجام داده و وسیع مالی زوجه، دادگاه مبلغی را از باب بخشش (نحله) برای زوجه تعیین می‌نماید.» نحله نیز یکی دیگر از حقوق مالی تعلق گرفته به زوجه است که دقیقاً براساس اصل حمایت مالی مرد از زن و اصل معاشرت به معروف ایجاد شده است. اینکه در شرع از مرد خواسته شده است در هنگام طلاق نیز برای زن مالی قرار دهد، اگرچه در قانون ما حکم اجبار گرفته است ولیکن نقض‌کننده اهمیت حمایت مالی زنان در نظر شارع نیست.

۱. اسدی، لیلا سادات، **حق زوج بر منع اشتغال زوجه**، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات راهبردی زنان، ۱۳۹۰، شماره ۵۱، ص ۷۵.

## ۶. آثار ناکارآمدی حقوق مالی زوجه

با ریشه‌شناسی در مشکلات مربوط به حقوق مالی خانواده در ایران، درمی‌یابیم که قوانین مربوطه با توجه به واقعیت‌های موجود جامعه فعلی منتهی به نوعی تشتت و بی‌نظمی می‌گردد. قوانین وضع شده مبتنی بر واقعیت‌های جامعه نیست و در برخی موارد اصل عدالت و انصاف در آنها رعایت نشده است، به گونه‌ای که تعادل اقتصادی زن و مرد را در طول زندگی و پس از انحلال آن شدیداً تحت تأثیر قرار می‌دهد. البته تا زمانی که زوجه تمایلی به استیفای حقوق خود نداشته باشد، نظم و تعادل اقتصادی خانواده برقرار است، اما در فرض مخالف، ناهمگونی زیادی در خانواده ایرانی پدید می‌آید.<sup>۱</sup> برای مثال، اگر متوسط مهریه زنان ۳۰۰ سکه بهار آزادی در نظر گرفته شود، مرد در صورت تمکن باید بخش اعظمی از دارایی خود را به زن بدهد. وانگهی، عموم مردان قادر به پرداخت چنین مهریه‌ای نیستند و با پذیرش اعسار زوج، مهریه تقسیم می‌شود و وی باید تا ده‌ها سال مبلغی را ماهیانه به زوجه بپردازد؛ علاوه بر این، هنگام جدایی مبلغی به عنوان اجرت‌المثل یا نحله به زوجه پرداخت می‌شود. این امر به بی‌تعادلی در نظام مالی زوج منتهی می‌شود. اگر همین مرد فرزندی داشته باشد که باید خرج آنها را نیز تحمل کند، موجب فشار اقتصادی به او و صدمات روانی به خانواده می‌گردد. این مثال که تقریباً وضع میانگین طبقه متوسط جامعه ایرانی و واقعیت فعلی جامعه را نشان می‌دهد، به خوبی ناهمگونی و تشتت در مورد قوانین مربوطه را می‌نمایاند. در نتیجه این وضعیت، زوج در زندگی مشترک محبوس می‌شود و برای رهایی از این حبس قانونی ممکن است از راه‌هایی نادرست زوجه را تحت فشار قرار دهد.

### ۶.۱. تقلیل رغبت به ازدواج و افزایش سن ازدواج

فارغ از مسائل اجتماعی، تغییر توازن اقتصادی بین زوجین، میل به ازدواج را کاهش داده است. در سال‌های پیش از دهه ۱۳۵۰ شمسی توازن اقتصادی در خانواده عمدتاً به نفع زوج و به ضرر زوجه بوده است. در آن دوران که اکثر جامعه ایرانی به کشاورزی و دامداری مشغول بوده است، مردان صرفاً در ماه‌های معینی به فعالیت اقتصادی مشغول بوده‌اند. در برابر، زنان فارغ از تربیت فرزندان که به مراتب از دوران کنونی سخت‌تر بوده است، به فعالیت اقتصادی همچون

۱. پدram، متین، *رویکرد اقتصادی به نفقه همسر در حقوق ایران، تحلیل اقتصادی حقوق خانواده*، دنیای اقتصاد، ۱۳۹۲، ص ۷۸.

قابلیتی و... مشغول بوده‌اند؛ علاوه بر این موارد، نهادهای حمایتی قدرتمندی از زوجه حمایت نمی‌کرده است. در وضعیت فعلی، وضعیت اقتصادی خانواده کاملاً تغییر کرده است. زوجه موظف به فعالیت اقتصادی نیست و در عمل هم یا فعالیت اقتصادی مستقلی ندارد یا در صورت داشتن فعالیت اقتصادی مستقل، ملزم به هزینه در زندگی مشترک نمی‌باشد. در برابر، با رشد طبقه متوسط در جامعه ایرانی و گذار از اقتصاد کشاورزی به اقتصاد نیمه‌صنعتی، فعالیت اقتصادی مردان تمام وقت شده و بار هزینه زندگی بر دوش آنهاست؛ در برابر، همچنان که پیش از این ذکر شد، نهادهای حمایتی از زوجه، رشد کمی و کیفی خیره‌کننده‌ای داشته است.

در واقع، عدم توازن اقتصاد خانواده به نفع مردان به سمت عدم توازن به نفع زنان حرکت و تغییر نموده است. همین وضع، موجب عدم رغبت مردان به ازدواج می‌شود. بر اساس آمارهای رسمی، میانگین سن ازدواج مردان از ۲۴/۱ سال در سال ۱۳۵۵، به ۲۶/۷ در سال ۱۳۹۳ و ۲۷/۲ در سال ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ رسیده است. میانگین سن ازدواج زنان نیز از ۱۹/۷ سال در سال ۱۳۵۵ به ۲۳/۴ سال در سال ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ افزایش یافته است. علاوه بر افزایش سن ازدواج، میزان مجرد قطعی و عدم ازدواج نیز در ایران افزایش چشمگیری به خود دیده است. بر اساس یافته‌های برخی محققین، در سال ۱۳۷۰، ۹۶/۹۷٪ زنان بین ۳۰ تا ۴۰ سال متأهل بوده‌اند، اما در سال ۱۳۸۹، صرفاً ۸۸/۳۷٪ زنان با این سن ازدواج کرده‌اند؛ بدین ترتیب، حدود ۱۲٪ دختران بالای ۳۰ سال هرگز ازدواج نکرده‌اند.

## ۶.۲. تعدیل حقوق مالی زوجه توسط عرف و رویه قضایی

فارغ از تقلیل رغبت به ازدواج، عرف نیز حقوق مالی زوجه را تعدیل می‌نماید. چنانچه تأمین جهیزیه که شرعاً و قانوناً بر عهده مرد است، (ماده ۱۱۰۷ ق.م.) بر خانواده زوجه تحمیل می‌گردد. رویه قضایی و حتی دکترین حقوقی نیز به‌طور معمول حقوق زوجه را تعدیل می‌نماید. به عنوان نمونه، مطابق بررسی موردی برخی پژوهشگران، در ۱۴۶ پرونده طلاق به درخواست شوهر، ۷۹ مورد منجر به صدور حکم گردیده که در ۶۲ پرونده اجرت‌المثل زوجه تعیین نگردیده است (۷۸٪). علاوه بر موارد فوق، دادرسان حقوق زوجه را به‌نوعی تفسیر می‌کنند که از تورم نهادهای حمایتی پیشگیری شود.

### ۶.۳. تعدیل حقوق زوجه توسط قانون

هرچند مطابق یافته‌های تحقیق حاضر، نتیجه‌گیری کلی قانون‌گذار ایرانی توسعه و تورم حقوق مالی زوجه بوده، به دلیل ناکارآمدی برخی نهادهای فوق، خود به تعدیل این حقوق پرداخته است. مثلاً با توجه به مشکلات اجتماعی زیادی که مهر زیاد پدیده آورده، قانون‌گذار بار اثبات استطاعت مالی را در مهر بیش از ۱۱۰ سکه بهار آزادی بر دوش زوجه نهاده است (ماده ۲۲ ق.ح.خ. ۱۳۹۱) که امری خلاف اصول حقوقی است.

### ۶.۴. بی‌ثباتی خانواده

مطالبه برخی حقوق مالی زوجه منوط به طلاق از سوی مرد است. این حقوق عبارت است از شرط تنصیف داری نخله. از آنجا که در نظام حقوقی ایران اصولاً طلاق به دست مرد است، انتظار اولیه این است که با سختگیری قانونی فوق، میزان طلاق در ایران شدیداً کاهش یافته باشد؛ در غیر این صورت، ناکارآمدی نهادهای حقوقی فوق آشکار می‌شود.<sup>۱</sup> بی‌تردید مهم‌ترین معیار انسجام و تثبیت نظام خانواده، نسبت ازدواج به طلاق در کشور است. مطابق آمار رسمی، نسبت ازدواج به طلاق در ایران روزبه‌روز کاهش می‌یابد و در حال حاضر غیرمستحکم‌ترین خانواده ایرانی در طول تاریخ را شاهد هستیم.

### ۷. مدل‌های منظم حقوق مالی زوجه

در برابر آشفتگی و پراکندگی، نظم و ترتیب قرار دارد. نظریه‌پرداز حقوقی و اقتصادی، باید نظریه‌ای منظم ارائه نماید تا نهادهای حقوقی به نحو کارآمد و عادلانه اعمال شوند. منظور از عادلانه، متوازن بودن نهادهای حقوقی در یک نظام حقوقی است. چنانچه توازن در یک رابطه قراردادی دوطرفه به هم بخورد، به تدریج رکود بر آن حاکم می‌شود و میل به انعقاد قرارداد کاهش می‌یابد. به نظر می‌رسد مدل‌های منسجم حقوق مالی زوجه با دو نظر قابل بیان و طراحی است. در یک مدل، زوجین از حقوق و تکالیف مالی برابری برخوردار می‌گردند. در غالب کشورهای غربی و خصوصاً حقوق فرانسه از این مدل پیروی می‌نماید. در برابر، ممکن است

۱. مهرپور، حسین و روشن، محمد، *مطالبات زوجه و روش وصول آن*، تهران: جنگل، جاودانه، چاپ اول، ۱۳۹۱، ص ۴۵.

زوجین از حقوق مساوی برخوردار نباشند؛ اما در نهایت، برآیند کلی حقوق و تکالیف زوجین به نوعی برابری ختم می‌شود.

### ۷.۱. مدل برابری مستقیم

در نظام حقوقی فرانسه، زوجین می‌توانند نظام مالی اشتراک اموال را برگزینند. در این صورت، هر دو نسبت به تأمین هزینه‌های زندگی تکلیف مشترک دارند و درآمد آنها نیز مشترک محسوب می‌شود. در هنگام جدایی یا فوت یکی از زوجین، اموال به صورت مساوی تقسیم می‌شود. در صورتی که زوجین چنین مدلی را گزینش نکنند و تمایل خود نسبت به استقلال اموال را اظهار نمایند، هر یک از ایشان در دارایی خود استقلال مالی دارد. در غیر این صورت، قانون‌گذار اشتراک اموال را بر ایشان تحمیل می‌نماید. هر چند غالباً تمایل به اشتراک اموال دارند. بر اساس نظر «رومیژویر» از مجموع زوج‌ها در فرانسه، ۸۰ درصد آنها نظام اموال مشترک را پذیرفته‌اند.<sup>۱</sup>

در نظام حقوقی ایران وضعیت بینابینی وجود دارد؛ البته ممکن است ادعا شود که تحقق این نظام قانونی در ایران مطلوب باشد؛ به این صورت که ثبت مهریه بیش از مهرالسنه ممنوع یا مالیات بسیار سنگینی مانند مالیات با نرخ ۲۰٪ بر آن وضع شود؛ یا شرطی ضمن نکاح مقرر شود که نفقه زوجه بر عهده مرد نباشد. اما این نوع از اشتراط درست نیست؛ چون در شرع مقدس هیچ محدودیتی برای مهریه بیان نشده است؛ البته اگر مصلحت مهم‌تر در میان باشد و یا اگر این امر دارای مفاسد زیادی باشد، حاکم شرع می‌تواند اجازه چنین قانون‌گذاری را بدهد. همچنین اشتراط عدم نفقه بر زوج نیز درست نیست؛ چون نفقه حکم است و حکم قابل اسقاط نیست.<sup>۲</sup> البته بسیاری از اقتصاددانان معتقدند قراردادهای پیش از ازدواج، ابزار مؤثری برای حمایت از زوجین در برابر خاتمه ناکارآمد ازدواج نیست. یکی از اقتصاددانان بر آن است که هیچ راه‌حل قراردادی در مقابل فرصت‌طلبی وجود ندارد. بنابراین قراردادهای ازدواج برای مقابله با فرصت‌طلبی همسران کافی نیست.<sup>۳</sup>

1. Rumigeers e , 1944. p4.

۲. سید هاشمی، سید محمد اسماعیل و زهرا السادات مرتضوی، بررسی حق و حکم در حضانت و نفقه و رجوع در طلاق، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۳۹۳، شماره ۶۶، صص ۲۱ و ۲۲.

3. Elmar, 1989, p 198.

## ۷.۲. مدل برابری غایی

در مدل برابری غایی حقوق مالی زوج و زوجه، زوجین تکالیف و حقوق برابری از نظر مالی ندارند؛ اما در برآیند کلی، نوعی توازن و برابری کلی بین حقوق و تکالیف زوجین موجود است. به عنوان نمونه، در فقه اسلامی، در حالی حقوق مالی زوج از منظر کمی بیش از زوجه است که تعهدات اقتصادی آن نیز افزون تر است. بسیاری از نویسندگان نیز بر همین مدار به دفاع از برابری غایی حقوق زوجین می‌پردازند. شهید مطهری ضمن دفاع از برابری غایی در حقوق زوجین، بین «تشابه حقوق» و «تساوی حقوق» فرق گذاشته است. ایشان معتقد است با توجه به اختلاف فیزیولوژیکی زن و مرد که منجر به متفاوت شدن حقوق و تکالیف بین مرد و زن می‌گردد، اساساً برابری مستقیم درست نیست. آنچه مهم است، این است که در رسیدن به سعادت هیچ فرقی بین زن و مرد وجود ندارد و اسلام همان سعادت را که برای مرد به عنوان غایت بیان داشته، همان را برای زن نیز در نظر گرفته است که اگر به تکالیف خود عمل کنند به آن هدف خواهند رسید. اسلام با توجه به نوع خلقتی که در زن وجود دارد، حقوق و تکالیفی برای رسیدن به کمال بر عهده او گذارده است که متناسب با وضعیت جسمی و روحی اوست. همان‌طور که با توجه به ویژگی مردان حقوق و تکالیفی را متوجه او گردانیده است که با نوع خلقت او متناسب است. از این نظر بین زن و مرد تساوی حقوقی‌ای برقرار است که به معنای تشابه حقوقی نیست. منظور از عدم تشابه حقوقی این است که به‌عنوان مثال مرد مکلف به برآورده کردن نیازهای اقتصادی خانواده است و عین این تکلیف برای زن وضع نگردیده، بلکه برای زن تکالیف دیگری که متناسب با وضعیت جسمی و روحی اوست، قرار داده است. از این‌رو برابری غایی ملاک است نه برابری مستقیم.<sup>۱</sup> مزیت عمده برابری غایی، امکان بهره‌برداری بهینه از منابع در نهاد خانواده است. از آنجا که زوجه تکلیف مالی در تأمین نیازهای اقتصادی خانواده ندارد و در طول زندگی مشترک هزینه‌های خود را تأمین شده می‌یابد، می‌تواند به نحو تخصیصی به وظایف محوله در قبال همسر و تربیت فرزندان و ایفای نقش مادری بپردازد و در برابر، مرد که در طول تاریخ و به دلایل زیست‌شناختی توان فعالیت اقتصادی بیشتری دارد، بهتر می‌تواند به برآورده کردن نیازهای مادی خانواده همت بگمارد.<sup>۲</sup>

۱ مطهری، مرتضی، *آشنایی با قرآن*، جلد ۴، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۹، ص ۱۷.

2 Clingm, 1982, P449.

## نتیجه گیری

به نظر می‌رسد قانون‌گذار ایرانی بدون توجه به کلیت و نظام‌مندی حقوق خانواده، نهادهای حمایتی مختلفی را وضع نموده است. هنگامی که نهادهای مزبور را زمینه‌یابی می‌نماییم، متوجه می‌شویم که برخی از این نهادها ریشه در فقه اسلامی و سنت ایرانی دارد به مانند نهاد مهر و نفقه و برخی حقوق دیگر از نظام‌های حقوقی غربی، خصوصاً فرانسه اقتباس گردیده است؛ مثل مقرری ماهیانه پس از طلاق؛ علاوه بر موارد فوق، حقوق مالی نیز توسط قانون‌گذار ایرانی ابداع شده است که صرفاً ظاهری فقهی دارد؛ ولی ریشه در فقه اسلامی و سنت ایرانی ندارد. این حقوق عبارت است از اجرت‌المثل کارهای زوجه و نحله.

از دیگر سو، نهادهای حقوقی فوق کارکردهای یکسان و عملکردی موازی دارند. خانواده‌های ایرانی با علم به ریسک‌های مالی و غیرمالی زوجه در خانواده و پس از انحلال نکاح، چنین ریسک‌هایی را در قالب مهر پوشش داده‌اند؛ لذا میزان مهریه در جامعه ایرانی علی‌رغم توصیه‌های اخلاقی و مذهبی، همچنان بسیار زیاد تعیین می‌شود. وضعیت قانونی حمایت از خانواده موجب تورم حقوق مالی زوجه و عدم توازن در نظام مالی خانواده گردیده است، که البته این به معنای بهتر شدن وضعیت حقوقی زنان ایرانی نیست؛ چرا که عرف و رویه قضایی حقوق مالی زوجه را شدیداً تعدیل می‌نمایند؛ عرف، برخی وظایف شوهر مانند تأمین اثاث خانه را به خانواده زن تحمیل و رویه قضایی مبالغ‌ناچیزی به عنوان نفقه زوجه تعیین می‌کند؛ علاوه بر این، مقرری ماهیانه پس از طلاق متروک گردیده است. قانون نیز اجرای برخی حقوق زوجه را با موانع اجرایی محدود نموده است؛ به عنوان نمونه، مطابق ماده ۲۲ ق.ج.خ. ۱۳۹۱، چنانچه میزان مهر بیش از ۱۱۰ سکه بهار آزادی باشد، اثبات استطاعت مالی زوج بر دوش زوجه است. به‌طور کلی، در دو مدل می‌توان حقوق مالی زوج و زوجه را متوازن نمود؛ مدل برابری مستقیم در نظام حقوقی فرانسه مورد تبعیت قرار گرفته و نظام برابری غایی که در فقه امامیه شناسایی شده است، بهتر است اصلاحات موردنظر قانون‌گذار ایرانی در هر یک از این دو قالب و مدل صورت پذیرد و در یک قانون جامع خانواده، تشتت و پراکندگی فعلی حقوق مالی زوجه که منجر به ناکارآمدی آن شده است، مرتفع گردد.

## فهرست منابع

## الف) منابع فارسی

## کتاب

۱. آزاد ارمکی، تقی، *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*، تهران: سمت، ۱۳۸۶.
۲. دوریا-دوبان و بورو دُبوآ، ماریا و سسیل، *رویکرد اقتصادی به نفقه همسر در حقوق ایران*، ترجمه فریده شعبانی، تهران: دنیای اقتصاد، ۱۳۹۲.
۳. زندی، محمدرضا، *رویه قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران در امور خانواده- نفقه، جهیزه و استرداد آن، اجرت‌المثل و نخله، مهریه و تقسیط آن*، تهران: جنگل، ۱۳۹۴.
۴. قربان وند، محمداقبر، *تفسیر قضایی و نقد قانون حمایت از خانواده (مصوب ۱۳۹۱)*، تهران: مجد، ۱۳۹۳.
۵. غفاری، ایرج، *مجموعه کامل محتسای تحلیلی قانون حمایت از خانواده*، قم: حقوق امروز، ۱۳۹۵.
۶. کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی خانواده*، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
۷. گلپایگانی، محمدرضا، *هدایه العباد*، قم: دارالقرآن الکریم، چاپ اول، ۱۴۱۳.
۸. مطهری، مرتضی، *نظام حقوق زن در اسلام*، تهران: صدرا، ۱۳۷۹.
۹. -----، *مجموعه آثار*، جلد ۱، تهران: صدرا، چاپ ششم، ۱۳۷۶.
۱۰. -----، *آشنایی با قرآن*، تهران: صدرا، ۱۳۷۹.
۱۱. مهرپور، حسین و روشن، محمد، *مطالبات زوجه و روش وصول آن*، تهران: جنگل، جاودانه، چاپ اول، ۱۳۹۱.
۱۲. هدایت نیا گنجی، فرج‌الله، *حقوق مالی زوجه (اجرت‌المثل، نخله و تعدیل مهریه)*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۵.

مقاله

۱۳. اسدی، لیلا سادات، **حق زوج بر منع اشتغال زوجه**، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات راهبردی زنان، ۱۳۹۰، شماره ۵۱.
۱۴. جلالی، سید مهدی، **نقد و بررسی مهریه در لایحه حمایت از خانواده**، مجله مطالعات راهبردی زنان، تابستان ۱۳۸۹، شماره ۴۸.
۱۵. پدرام، متین، **رویکرد اقتصادی به نفقه همسر در حقوق ایران**، تحلیل اقتصادی حقوق خانواده، دنیای اقتصاد، ۱۳۹۲.
۱۶. سید هاشمی، سید محمد اسماعیل و زهرا السادات مرتضوی، **بررسی حق و حکم در حضانت و نفقه و رجوع در طلاق**، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۳۹۳، شماره ۶۶.
۱۷. فیروزمند، لیلا، **تبعات مثبت و منفی مطالبه مهریه در ایران امروز**، مجله دادگر، دی و بهمن ۱۳۹۱، شماره ۳۰.
۱۸. یوسف زاده، حسن، **پایش، جامعه شناختی مهریه**، فصلنامه شورای فرهنگی - اجتماعی زنان (کتاب زنان)، سال هفتم، ۱۳۸۴، شماره ۲۷.
۱۹. فهیمی، فاطمه، فهیمی، عزیزالله، **اصول حاکم بر حقوق مالی زن در کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و حقوق اسلام و ایران**، مباحث بانوان شیعه، پاییز ۱۳۸۷، شماره ۱۷.
۲۰. محمدی، مرتضی، **حقوق و تکالیف زن از دیدگاه اسلام**، استقلال مالی، اطاعت از شوهر»، مجله رواق اندیشه، مهر و آبان، ۱۳۸۰، شماره ۳.
۲۱. میردادشی، سید مهدی، **حق حبس زوجه با تکیه بر فقه امامیه**، نشریه حقوق اسلامی، تابستان ۱۳۸۸، شماره ۲۱.
۲۲. هدایت نیا گنجی، فرج الله، **مبانی نظریه عدالت استحقاقی در حقوق زنان**، حقوق اسلامی، سال یازدهم، پاییز ۱۳۹۳، شماره ۴۲.

ب) منابع عربی

۲۳. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسایل الشیعه*، بیروت: مؤسسه آل البيت، لإحياء التراث، الطبعة الأولى، ۱۴۱۳ق.
۲۴. شهید ثانی، جبعی عاملی زین‌الدین، *مسالك الافهام الى تنقيح سرايع الاسلام*، قم: مؤسسه المعارف الاسلاميه، ۱۳۷۳.
۲۵. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، *عروه الوثقی*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷.
۲۶. نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام فی شرح سرايع الاسلام*، جلد ۳۱، تهران: دارالکتاب الاسلاميه، چاپ سوم، ۱۳۶۷.

ج) منابع انگلیسی

**Books**

27. Elmar, I, *the theory of alimony, california law review*, vol 77/1, 1989.
28. Clingm. Peel, WG & others 1982. *Joint custody after divorce: Magor issue and goals for researcl pssohological Bolletin*.

**Articles**

29. Anderson, Slwan, "the economics of dowry and brideprice", *Journal of economic perspectives*, 2007.
30. Rumigeers e, "Des prestationcompensatoire sous forme de capital et non plus de rente", *infostat justice*, no 77, 1944.